

مهندسی اخلاق

سازین منوچهریان

www.ketab.ir

مهندسی اخلاق

مؤلف شیروین منوچهریان

انتشارات در مسیر آفتاب | شابک ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۵۴۰-۲-۱ | انتشار: بهار ۱۳۹۶ | تهران: گداز

صفحه آرایشی سیدمهدی حسینی | نوبت چاپ اول | قیمت: ۱۰۰.۰۰۰ ریال

سرشناسه: منوچهریان، شیروین، ۱۳۵۴- | عنوان و نام پدیدآور: مهندسی اخلاق / شیروین منوچهریان. | مشخصات نشر: تهران: گداز، ۱۳۹۶. | مشخصات ظاهری: ۲۳۰ ص. | شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۵۴۰-۲-۱ | وضعیت فهرست نویسی: فیبا | یادداشت: کتابنامه. | موضوع: اخلاق اسلامی | موضوع: Islamic ethics | موضوع: اخلاق اسلامی -- جنبه‌های قرآنی | موضوع: Islamic ethics -- Quranic teaching | موضوع: اخلاق اسلامی -- احادیث | موضوع: Islamic Hadiths | موضوع: ethics -- اخلاص | موضوع: Sincerity | موضوع: صلہ رحم | موضوع: Kinship ethics* | موضوع: حسد -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام | موضوع: Islam -- Religious aspects -- Jealousy | رده‌بندی کنگره: ۴۳۸۹۲۶۵

۴۳۸۹۲۶۵ | رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۶۱ | شماره کتابشناسی ملی: ۴۳۸۹۲۶۵

❁ فهرست

۱۵	 مقدمه
۱۷	 پیش گفتار

بخش اول

۳۳	 اخلاص
۳۵	 نیت، روح عمل
۴۲	 اخلاص در قرآن
۴۵	 نشانه ها و علامات اخلاص
۴۹	 اسباب و عوامل اخلاص
۵۲	 آثار و فواید اخلاص
۵۵	 مراتب اخلاص
۵۷	 آفات اخلاص
۵۷	 ۱. آفات قبل از عمل
۵۹	 ۲. آفات در حین عمل

۵۹	۳. آفات پس از عمل
۶۰	مرز میان ریا و اخلاص
۶۲	الاعمال بالنیات
۶۲	وسوسه های منہی (نہی کننده)

بخش دوم

۶۳	خشم و عصبانیت
۶۷	قوی ترین انسان
۶۸	اهل بی و خشم
۷۰	خشم ممدوح و مذموم
۷۱	توصیه شیطان به ارتداد
۷۲	خشم در کتاب المحجة البیضاء بخش ۱ اشانی
۷۴	عوامل غضب
۷۴	۱. بد خلقی
۷۵	۲. نادانی
۷۵	۳. تکبر
۷۶	۴. دنیا
۷۷	۵. حسادت
۷۸	۶. کینه توزی
۷۹	۷. تکذیب دیگران
۷۹	پیامدهای غضب
۸۰	الف: آثار فردی
۸۰	۱. تباهی خردورزی
۸۱	۲. تباهی ایمان

۳. کوتاهی عمر ۸۱
۴. آشکار شدن عیوب ۸۲
۵. پشیمانی ۸۲
- ب: آثار اجتماعی ۸۳
۱. کینه توزی ۸۳
۲. تحقیر شخصیت اجتماعی ۸۳
۳. از دست دادن جاذبه فردی ۸۴
۴. آسیب خانواده ۸۵
۵. استیست ناپیری ۸۷
۶. آلوده شدن به تناسل ۸۷
- بهترین برخورد با خشم ۸۸
- راهکارهای کنترل خشم ۸۹
- الف: مقابله معنوی ۸۹
۱. ذکر ۹۰
- الف: استعاذه ۹۰
- ب: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ۹۱
- ج: صلوات ۹۱
۲. دعا ۹۲
۳. وضو و غسل ۹۲
۴. حفظ کردن قرآن ۹۴
۵. یاد مرگ ۹۴
- الف: درک ناپایداری زندگی دنیا ۹۴
- ب: تعدیل غرایز و درمان انحرافات اخلاقی ۹۵
۶. مشارطه، مراقبه، محاسبه و معاتبه ۹۵

۹۶	ب: مقابله شناختی
۹۶	۱. تصحیح ارزیابی های غلط از موقعیت
۹۷	۲. تفکر درباره عاقبت رفتار پرخاشگرانه
۹۹	۳. تفکر در قدرت خداوند
۱۰۰	۴. رضایه قضا و قدر
۱۰۱	ج: مقابله هیجانی - عاطفی
۱۰۲	۱. حلم
۱۰۵	۲. ر
۱۰۶	بخش رگدشت
۱۰۸	۴. مزاج
۱۱۰	د: مقابله رفتار ریست
۱۱۰	۱. تغییر وضعیت بدن
۱۱۲	۲. تغییر موقعیت
۱۱۳	۳. سکوت
۱۱۴	۴. رفتار جرأت‌مندانه
۱۱۴	۵. تغذیه مناسب
۱۱۵	الف: کشمش
۱۱۶	ب: گوشت بلدرچین
۱۱۸	ج: روغن زیتون
۱۱۹	منابع

بخش سوم

۱۲۱	حسد
۱۲۵	داستانی از گلستان

۱۲۵	فطرت خویشتن دوستی
۱۲۶	انسان و این دوغریزه
۱۲۸	نابودی خویش و زیان دیگری
۱۲۹	زنی حسود
۱۳۰	خود انسان نیست
۱۳۰	سمند حسود
۱۳۱	رسول ینی رسول خدا
۱۳۲	انحصاط و انمانار
۱۳۳	مرد بهشتی
۱۳۴	تفاوت مؤمن و مدنی
۱۳۵	سایه عرش خدا
۱۳۵	عوامل و انگیزه های حسد
۱۳۵	۱. عجب و خود پسندی
۱۳۶	حسد زنان
۱۳۶	حسد بر پیغمبر ﷺ
۱۳۷	۲. تکبر و خود برتر بینی
۱۳۸	۳. بخل
۱۳۸	توضیح کلمه «خریخیل»
۱۳۹	۴. حرص
۱۴۰	نشانه های حسود
۱۴۰	۱. انتقاد شدید
۱۴۱	۲. کوتاهی در تعریف
۱۴۱	۳. شماتت در مصیبت
۱۴۲	۴. ناراحتی از خوشی دیگران

۱۴۳	 ۵. سخن چینی
۱۴۴	 ۶. زود پذیرفتن بدگویی
۱۴۴	 ۷. تندخویی
۱۴۵	 خود را بیازمایید
۱۴۶	 ریان می حسد
۱۴۷	 ۱. منفور شدن
۱۴۸	 ۲. ناله های هشیگی
۱۴۹	 بیماری
۱۵۰	 ۴. تسخیر لطف
۱۵۰	 ۵. خرابی اشیاء
۱۵۱	 ۶. کوتاهی عمر
۱۵۱	 ۷. آلوده شدن به انواع گناهان
۱۵۲	 ۸. خطر بیماری روحی
۱۵۳	 درمان حسد
۱۵۳	 حسود باید بداند
۱۵۵	 حسود باید انجام دهد
۱۵۶	 تسریع در علاج

بخش چهارم

۱۵۷	 صله رحم
۱۶۰	 بهترین اعمال
۱۶۱	 از شرایط ایمان
۱۶۱	 مقام ویژه
۱۶۱	 دسته شمشیر پیامبر

۱۶۲	خوشحالی امام
۱۶۲	ضمانت پیامبر
۱۶۳	محروم از شب قدر
۱۶۳	پاداش صد شهید
۱۶۳	خریشاوندی با چهل واسطه
۱۶۴	ابن، خنگوی قیامت
۱۶۴	هون در قرآن
۱۶۵	دسته جمعی می
۱۶۶	اهل فضل
۱۶۶	بوی بهشت
۱۶۷	پل صراط
۱۶۷	خویشاوندان غیر مسلمان
۱۶۷	محبوب ترین قدم
۱۶۸	بخشش امام صادق (ع)
۱۶۸	نارضایتی خواهر
۱۷۰	دل شکستگی عمه
۱۷۱	ماجرای شنیدنی
۱۷۲	نکته هایی از استاد صفایی
۱۸۶	آثار صله رحم
۱۸۶	زیادی عمر
۱۸۷	آبادی شهرها
۱۸۷	آسانی مرگ
۱۸۷	نجات از مرگ ناگوار
۱۸۸	بازدارنده از گناهان

۱۸۸	زیادی نعمت
۱۸۸	زیادی جمعیت
۱۸۹	زیادی محبت
۱۸۹	سلامتی بدن
۱۸۹	بالایش روح
۱۸۹	آسانی حساب
۱۹۰	بخشش گناهان
۱۹۰	راحتی بمن
۱۹۰	آرامش روان
۱۹۱	ورود به بهشت

بخش پنجم

۱۹۳	دروغ
۱۹۵	گفت و گوی زبان با سایر اعضای بدن
۱۹۶	زبان کلید خیر و شر
۱۹۶	شبهات های زبان و طلا و نقره
۱۹۸	دروغ چیست؟
۱۹۹	دروغ در آیین قرآن
۲۰۰	ملاک مسلمانی
۲۰۴	نخستین مرحله دروغ گویی
۲۰۴	عذاب دروغ گو
۲۰۴	کمتر از حیوان
۲۰۵	ناسازگاری ایمان و دروغ
۲۰۶	دعای داریوش کبیر

۲۰۷	 دروغ گوفاسق است
۲۰۸	 بوی گند دروغ
۲۰۹	 دروغ کلید گناهان
۲۱۰	 راه بدبختی
۲۱۱	 پیامان با پیامبر اسلام ﷺ
۲۱۲	 رنوش دروغ گو
۲۱۳	 انیزه های دروغ
۲۱۵	 زیان های دروغ
۲۱۵	 الف: زیان های اخلاقی
۲۱۵	 ۱. رسوایی
۲۱۶	 ۲. بی آبرویی
۲۱۷	 ۳. بی ارزشی سخن
۲۱۸	 ۴. سلب اعتماد
۲۱۹	 ۵. ذلت و خواری
۲۱۹	 ۶. سخریه و استهزا
۲۲۰	 ب: زیان های روانی
۲۲۰	 ۱. ناراحتی درونی
۲۲۱	 ۲. فراموشی
۲۲۲	 ۳. نومیدی
۲۲۲	 ۴. سوء ظن
۲۲۴	 ۵. چاپلوسی
۲۲۶	 ج: زیان های اقتصادی
۲۲۶	 درمان دروغ

❁ مقدمه

همانطور که در یک سازه مهندسی همه ارکان ساختمان بایستی دقیقاً طبق نقشه پیش رود و ستون‌های تکیه شده در نقشه بدون کم و کاست توسط معمار ساختمان اجرا شود دین اسلام نیز در زمینه اخلاق ستون‌هایی را تعریف کرده است که نظام اخلاقی اسلام را مدون نموده است.

دستورات و تعاریفی که اسلام در موارد چون اخلاص در عمل، صله‌ی ارحام، قبح دروغ، مدیریت خشم و منع حسد دارد؛ همگی ستون‌هایی هستند که اجزاء یک نظام اخلاقی منسجم را تشکیل می‌دهند. اجزایی که در ارتباط با یکدیگر با هم هستند و تأثیر و تأثر بسیاری برهم دارند.

برخی اندیشمندان بر آن هستند تا اخلاقیات را نسبی قلمداد کرده و در سایه سار این نسبیت، فعل اخلاقی را تابعی از شرایط فاعل بدانند.

و متأسفانه شاهد آن هستیم که گاهی افراد با مصادره به مطلوب کردن بین نظریه، مرتکب فعل بی اخلاقی می‌شوند و قالب‌هایی چون دروغ مصلحتی یا غیبت‌هایی که برچسب آگاهی دادن بر آن می‌زنند پوششی اخلاقی برای اعمال خود برمی‌گزینند. در این نوشتار برآنیم تا ضمن بررسی چند صفت اخلاقی، ساختار اجرایی آن را در

اسلام نبیین نماییم باشد که از این رهنمون مودب به آداب و تخلق به اخلاق اسلامی را فراگیریم.

آیا اخلاق و اخلاق مداری همه اسلام و ایمان است؟ به عبارتی آیا همه دستورات اسلام منحصر به اخلاق اشاره داشته است یا اخلاق تنها بخشی از دین است؟
 «أَنَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ به راستی که من مبعوث شدم تا شرافت‌های اخلاقی را کامل و تمام کنم»

بیان کامل کردن مکارم اخلاقی یکی از جمله رسالت‌های پیامبر عظیم الشان اسلام حضرت محمد ﷺ بوده است نه تمام رسالت ایشان. پر مسلم است که وصایای اخلاقی پیام حاتم بالاس از توصیه‌ها و روایات و دستورات دین را شامل می‌شود و همچنین در طول زندگی پیامبر اسلام ﷺ نیز به خوبی دیده می‌شود که پایبندی به اخلاق و رشد و تعالی اخلاقی هم در مدرک و رایشان بوده است و در همه زمینه‌های اخلاقی؛ مسلمانان را به رشد و تعالی رساندند و پیام‌های بلند ایشان و اهل بیتشان، تا انتهای تاریخ، منادی شرافت و فضائل اخلاقی برای بشریت است؛ ولی باید توجه داشت که مهمات دیگری همچون توحید، معاد، عباد الله، و از همه مهمتر ولایت و جانشینی امیرالمومنین حضرت علی علیه السلام از رئوس رسالت پیامبر بوده است.

شیرین منوچهریان

۱۳۹۶ سال

پیش گفتار

«وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ»

«... و تو (ای پیامبر) بر قلّه اخلاق و کرامت قرار داری.» (سوره قلم، آیه ۴)

همه مردم هنگامی که از معجزات پیامبر اسلام ﷺ حرف می‌زنند، اول بزرگترین کتاب آسمانی، قرآن را می‌گویند و ... چند نفاذ عجیب اما واقعی مانند شق القمر و... را به خاطر می‌آورند. شاید اغراق نباشد که به‌گونه‌ای پس از قرآن کریم، بزرگترین معجزه پیامبر رحمت و مهربانی، محمد مصطفی ﷺ، اخلاق آسمانی و بی‌همتای او بود.

وقتی تاریخ اسلام را می‌خوانیم، قدم به قدم با داستان‌ها، قدم‌ها فضایی مواجه می‌شویم که خلق عظیم پیامبر ﷺ معجزه‌ای کرده و بزرگترین دشمنان را وفادارترین دوستان تبدیل کرده است. این مگر معجزه نیست که دشمن‌ترین دشمنان مانند آن همسایه یهودی با دیدن گوشه‌ای از اخلاق زیبای محمد مصطفی ﷺ با تمام وجود ایمان آورده و... اصلاً خودتان داستان را از زبان خودش بخوانید:

«من همسایه محمد بودم، کاری به کارش نداشتم ولی می‌دانستم که مرد خوبی است و در کمک به نیازمندان کوشاست. مشکل از روزی شروع شد که شنیدم این مرد

ادعای پیامبری کرده و می‌گوید دین جدیدی آورده ام. چه ادعای بزرگی!!
ما یهودی‌ها که عیسی را و دینش را قبول نکرده بودیم، حالا باید به این مرد عرب
ایمان می‌آوردیم!

فکرش را بکن ما، قوم یهود، که برگزیده خداوند بودیم باید به این یتیم عبدالمطلب
بایگم می‌کردیم. امکان نداشت! مگر میشود یک غیریهودی بر ما سروری کند؟!
از همان روز از او بدم آمد و تصمیم گرفتم تمام بغض و کینه ام را نثارش کنم که
البته لایق بود!

فکر کردم و تصمیم گرفتم که بلایی سر محمد بیاورم که عصبانی شود و باطن
دروغین خودش را نشان دهد! می‌دانید که خیلی‌ها ادعای مهربانی و خوش اخلاقی
دارند ولی وقتی عصبانی بشوند آن وقت است که باید شناخت شان! فکر خوبی بود!
محمد خیلی زیبا و آراسته به او و وقت از جایی رد می‌شد تا چند لحظه بوی
عطرش همه جا را فرا می‌گرفت. تصمیم گرفتم هر روز همین که از خانه بیرون می‌آید
یک سطل آشغال و خاکستر بر سرش بریزم!

روز اول خیلی می‌ترسیدم نکند محمد درآورده که بنی هاشم مرا بکشند! ولی
اشکالی ندارد برای رسیدن به هدفم ارزشش را دارم! سطلی از خاکسترو زیاله‌ها را
آماده کردم، محمد بیرون آمد بدون تأمل بر سرش ریختم. تا که آن آه برگشت و فقط
نگاهم کرد! ولی هیچ خشمی در نگاهش نبود! برگشت به خانه و دوباره خود را تمیز و
آراسته کرد و رفت.

دوباره فردا و فرداها این کار تکرار شد و ... آه خسته شدم چرا این مرد عصبانی
نمی‌شود؟! مگر یک انسان چقدر تحمل دارد؟! اصلاً حرفی هم نمی‌زند نه دادی نه
فریادی نه

روزها گذشت من چند روزی مریض شده بودم و نتوانستم خاکستر بر سر محمد

بریزم. ناراحت بودم نباید او حتی یک روز آب خوش از گلویش پایین می‌رفت. در بستر بیماری به این کینه و تصمیم‌های بدتر فکرمی کردم که... ناگهان در زده شد.

- کیستی؟!

- منم معتمد همسایه ات!

ای آمده تا در بستر بیماری انتقامش را بگیرد. می‌دانستم که ی‌ک روز اخلاق واقعی‌اش را ظاهر خواهد کرد! باشد بگذار بیاید برایش جواب دندان شکنی آماده کرده‌ام.

- بیاتودر باز بخت!

- سلام همسایه! چند روزی در بیمارستان احوالت را از همسایه‌ها گرفتم، گفتند مریض شده ای آمدم برای عیادت! مالت خوب است؟ طبیب بر بالینت آمده؟ اگر درد دوا و درمان مشکلی داری من آماده‌ام بر عیادتت می‌روم؟ خانواده ات چیزی نیاز ندارند؟....

- ...

- حرفی بزن همسایه!

من چه می‌توانستم بگویم؟ دل خشک و سخت من زیرا بن‌باران بی‌امان محبت و صداقت نرم و آرام شده بود! احساس می‌کنم چقدر این مرد را دوست دارم! نه این ممکن نیست حتما دروغ می‌گوید ولی... مگر دروغ او چه فایده ای دارد؟ صداقت این مهربانی و خوش اخلاقی را در تورات فقط برای پیامبران نقل کرده اند! او پیامبر است. پیامبر مهربانی! پیامبر صبر! پیامبر عفو و گذشت! او... او پیامبر خداست! چه می‌توانستم بگویم؟! دیگر نمی‌توانم تحمل کنم! عقل و دلم باهم بهی که نتیجه رسیدند؛ با شرمساری چشم‌هایم را بستم و از صمیم قلب گفتم:

- «أشهد أن محمداً رسول الله»

این فقط یک نمونه ازده‌ها و صدها داستانی است که در تاریخ‌های معتبر از پیامبر مهربانی‌ها نقل شده است. محمد مصطفی ﷺ آخرین و بزرگترین پیامبر خدا، در یک جمله، فلسفه و هدف بعثت خود را اینگونه می‌فرماید که:

«إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ همانا مبعوث شدم برای تکمیل برترین

اخلاق‌ها»

ولی آیا امروز ما به این هدف پیامبر خدا ﷺ رسیده ایم؟ خیلی‌ها خیال می‌کنند آدم خوب دینی است که فقط حلال و حرام شرعی را رعایت کند و واجباتش را انجام دهد و... این اسلام بسیار وسیع‌تر و عمیق‌تر از این حرف‌هاست! پیامبر اسلام ﷺ و امامان معصوم ﷺ در ده‌ها و هزاران روایت به توصیه‌های اخلاقی پرداخته‌اند. اخلاق فردی، اخلاق خانوادگی، ایمان، اخلاق تعامل با خانواده، اخلاق همسایگان، اخلاق تعامل با برادران دینی، اخلاق اجتماعی، اخلاق تعامل با حاکمان و...

شاید برای خیلی‌ها جالب باشد که چند دین اسلام حتی برای رابطه با خودت هم توصیه‌های اخلاقی دارد! یعنی یادت می‌دهد که چطور حق دست و پا و زبان و گوش و... خودت را ادا کنی! چطور حق روح و روان را ادا کنی!

این حرف‌ها می‌خواهد چه بگوید؟! می‌خواهد بگوید این مسلمان و ای شیعه مرتضی علی ﷺ خداوند متعال و اهل بیت ﷺ از یک سلسله و رومن و مسلمان توقعات زیادی دارند که بسیاری از آنها درباره اخلاق است. ولی احکام بیشتر و بهتر از اهل بیت ﷺ دین را شناخته‌ایم و آن را در احکام خلاصه کردیم!

نمی‌خواهم اینجا کسی را متهم کنم ولی با شما خوانندگان درد و دلی می‌کنم صادقانه و صمیمانه؛

خداوند متعال دین را قبل از اینکه برای آباد کردن آخرت انسان‌ها نازل کرده باشد، اولین هدفش ساختن دنیایی زیبا و جامعه‌ای آرمانی است. وقتی روایت‌های مربوط

به برادری و همسایه داری و رفتار با همسر و فرزندان و حقوق پدر و مادر را می‌خوانیم متوجه می‌شویم که زیبایی دین اسلام در این است که اگر کسی به دستورات اخلاقی اش عمل کند دنیایی زیبا و مهربان و پراز گذشت و ایثار و فداکاری خواهد داشت. در نگاه پیامبر اسلام ﷺ کسی که نتواند دنیای آرام بخشی داشته باشد، آخرتش نیز در آفتاب خواهد بود! آرامش در دنیا با پول و ثروت و قدرت نیست! بلکه باید انصاف، نبرد همین‌ها باعث آشفته‌گی و نابودی زندگی می‌شوند اگر با دستورات دینی همراه نباشد.

آرامش را حسالت با هم می‌ریزد که درمانش را در غبطه و محبت نسبت به مومنین به ما یاد دهند.

آرامش را کمبود مالی و فقر به هم می‌ریزد که درمانش را در قناعت و البته تلاش کافی برای کسب روزی حلال به ما یاد دهند.

آرامش را دشمنی‌ها و دعوای بی‌بهره به هم می‌ریزد، که درمانش را با محبت و اعتماد و احترام به مومنین به ما یاد داده‌اند.

آرامش دنیایی را خانواده آشفته و از هم‌گسسته به هم می‌ریزد که درمانش را در محبت بین زن و شوهر، ادب فرزند و محبت پدر و مادر و شاعت از آنها به ما یاد داده‌اند.

و...

شاید بد نباشد شما را به چند روایت زیبا مهمان کنم؛

۱. پیامبر اسلام ﷺ: «ثَلَاثَةٌ تُخْلِصُ الْمَوَدَّةَ: إِهْدَاءُ الْعَيْبِ، وَحِفْظُ الْغَيْبِ، وَالْعَوْنَةُ فِي الشَّدَّةِ»^۱

سه چیز دوستی را یکرنگ می‌سازد: هدیه کردن عیب‌های یکدیگر، پاسداری در غیاب (و بدگویی نکردن) و یاری رساندن در سختی.

۲. امام علی علیه السلام: «حَسَنُ الْاِخْلَاقِ يُدْرِرُ الرِّزَاقَ وَيُوْنَسُ الرِّفَاقَ»^۱

خوش اخلاقی روزی ها را زیاد می کند و میان دوستان انس و الفت پدید می آورد.

۳. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله: «لَا تَزَالُ اُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا تَحَابُّوا وَتَهَادَوْا وَادَّوْا اَلْاَمَانَةَ»^۲

امت من تا هنگامی که یکدیگر را دوست بدارند، به یکدیگر هدیه دهند و

مانداری کنند، در خیر و خوبی خواهند بود.

و ده ها و صدها روایت دیگر که برایمان دنیایی شیرین و زیبا را نوید می دهد به

شرط رعایت اخلاق!

ولی این فقط یکی از اثرات رعایت اخلاق است. یکی دیگر از تاثیرات بسیار مهم

رعایت اخلاق این است که نمی گذارد انسان ناخواسته به گناه بیافتد! درست خواندید

"ناخواسته" برخی اوقات ما را تا آنمی خواهیم گناهی بکنیم ولی چون بلد نیستیم و

تربیت اخلاقی مان ناقص است، چا گناهانی می شویم که جبران آنها سخت و گاه

غیر ممکن می شود!

بسیاری از کسانی که در کربلا دست به آن جنایت بزرگ زدند، صبح عاشورا با

وضو و قربۀ اِلی الله، بر روی فرزند فاطمه شیر کشیدند! خیال می کردند کار ثواب

می کنند! کسی که اخلاقش را درست نکند، دنیا غیبی تمام و خودش را بگیرد و نتواند بر

ترس و طمع خودش غلبه کند حتی ممکن است امام معصوم راهمان شهادت برساند!

شاید با خودتان بگویید ما مطمئن هستیم که دیگر امکان نداریم که چنین کاری

بکنیم. مگر ممکن است؟!

ولی ممکن است! انسان اگر اخلاق و فضایل اخلاقی اش را تقویت نکند، ممکن

است با یک بی اخلاقی، یک قضاوت نادرست، یک تهمت، یک غیبت، تمام آبرو

۱. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۲۵۵، ح ۵۳۸۲

۲. عیون اخبار الرضا ج ۲، ص ۲۹

و هست و نیست یک مومن را نابود کند!

شاید خواندن این داستان مستند و واقعی کمی ما را با خطرات بی اخلاقی‌های کوچک آشنا کند:

«حدود ۲۰ سال پیش منزل ما خیابان ۱۷ شهریور بود و ما برای نماز خواندن و مراسم راداری و جشنهای مذهبی به مسجدی که نزدیک منزلمان بود می‌رفتیم پیش نماز جماعت حاج آقایی بود بنام «شیخ هادی» که امور مسجد از قبیل نماز جماعت، مراسم شایسته، عید و جشن نیمه شعبان را برگزار میکرد.

اگر کسی می‌خواست دخترش را شوهر بدهد و یا برای پسرش زن بگیرد با شیخ هادی مشورت میکرد و در آخر هر شیخ خطبه عقد را جاری میکرد. اگر کسی در محله فوت میکرد شیخ هادی برای آن نماز میت می‌خواند و کارهای بسیار دیگر...

یک روز من برای خواندن نماز مغرب و عشاء راهی مسجد شدم و برای گرفتن وضو به طبقه پائین که وضوخانه در آنجا واقع بود رفتم. منتظر خالی شدن دستشویی بودم که در این حین، در یکی از دستشویی‌ها باز شد و شیخ هادی از آن بیرون آمد با هم سلام و علیک کردیم و شیخ بدون اینکه وضو بگیرد دستشویی را ترک کرد!

من که بسیار تعجب کرده بودم به دنبال شیخ راهی شدم که ببینم کجا وضومی گیرد و با کمال شگفتی دیدم شیخ هادی بدون گرفتن وضو وارد مراسم شدند. کسره بعد از خواندن اذان و اقامه نماز را شروع کرد و مردم هم به شیخ اقتداء کردند!

من که کاملاً گیج شده بودم سریعاً به حاج علی که سالهای زیادی با من همسایه بودیم گفتم حاجی شیخ هادی وضو ندارد، خودم دیدم از دستشویی اومد بیرون ولی وضو نگرفت.

حاج علی که به من اعتماد کامل داشت با تعجب گفت خیلی خوب فرادا می‌خوانم!